



Analysis of the age criterion for criminal responsibility based on utilitarian and retributive thinking

Mohsen Borhani¹ | Eqbal Mohammadi²

1. Corresponding Author: Assistant Professor, Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: m.borhani@ut.ac.ir
2. Ph.D. Student of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran, Tehran, Iran. Email: mohammadi.eqbal@ut.ac.ir

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Manuscript Received:

7 January 2024

Final revision received:

19 February 2024

Accepted:

24 February 2024

Published online:

26 February 2024

Keywords:

age criterion of criminal responsibility, criminal responsibility, Gradual criminal liability, Retributivism, utilitarianism, intellectual growth

ABSTRACT

Utilitarianism and retributivism, theories have important propositions both regarding criminalization and punishment. Many times, the analyses and the results that are obtained pass by the criminal investigation of criminal liability in the philosophical system of these theories have special importance. Criminal responsibility has components that both their number and their meaning are different in different crimes. One of the components of criminal responsibility is the age requirement. Utilitarianism seeks expediency and prevention of crime by using deterrence, rehabilitation and incapacitation of the criminal. Therefore, educational measures are expected at younger ages. As the age increases, the responsibility gradually becomes complete. Therefore, the age is a component of criminal responsibility for utilitarians. On the other hand, retributivism based on merit considers intellectual development as the age component of criminal responsibility. The Penal Code is consistent with utilitarianism in the crimes that are called 'Ta'ziri', and it is consistent with punitiveness in the crimes that are called 'Had' and 'Qesas'. When judging the reactions of articles 88 and 89, the judge should issue appropriate sentences considering the purpose of intimidation, correction and incapacitation. In Had and Qesas, the judge is obliged to obtain the opinion of an expert on intellectual growth. in Article 91 intellectual growth is the age component of criminal responsibility, and it should not be taken into account only in case of doubt and as an exception in determining the criminal responsibility of children.

Cite this article: Borhani, Mohsen; Mohammadi, Eqbal (2023) "Analysis of the age criterion for criminal responsibility based on utilitarian and retributive thinking", *Criminal Law and Criminology Studies*, 53 (2), 143-166, DOI: <https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2024.369803.1894>



© The Author(s).

Publisher: University of Tehran Press.

<https://doi.org/10.22059/JQCLCS.2024.369803.1894>



تحلیل شرط سنی مسئولیت کیفری مبتنی بر اندیشه فایده‌گرایی و سزاگرایی

محسن برهانی^۱ | اقبال محمدی^۲

۱. نویسنده مسئول: استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
ایمانه: m.borhani@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.
ایمانه: mohammadi.eqbal@ut.ac.ir

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۱۰/۱۷

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۲/۱۱/۳۰

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۲/۱۲/۵

تاریخ انتشار:

۱۴۰۲/۱۲/۷

کلیدواژه‌ها:

سزاگرایی، شرط سنی

مسئولیت کیفری،

فایده‌گرایی،

مسئولیت کیفری،

مسئولیت کیفری تدریجی،

رشد عقلی

فایده‌گرایی و سزاگرایی هم در باب جرم‌انگاری و هم در باب مجازات دارای گزاره‌های مهمی هستند. بسیاری از مواقع تحلیل‌ها و نتایجی که حاصل می‌شود از رهگذر شخص مجرم می‌گذرد. بررسی مسئولیت کیفری در سیستم فلسفی این نظریات دارای اهمیت ویژه‌ای است. مسئولیت کیفری دارای مؤلفه‌هایی است که هم تعداد آن‌ها و هم مفهوم آن‌ها در خصوص جرایم مختلف متفاوت است. یکی از مؤلفه‌های مسئولیت کیفری، شرط سنی است. فایده‌گرایی با استفاده از ارباب و اصلاح و ناتوان‌سازی مجرم به دنبال مصلحت‌سنجی و پیشگیری از وقوع جرم است. لذا با در نظر گرفتن اقدامات تربیتی و تأمینی در سنین پایین به واکنش در برابر اطفال و نوجوانان می‌پردازد و با بیشتر شدن سن، مسئولیت به تدریج کامل می‌شود. بنابراین مؤلفه سنی مسئولیت در فایده‌گرایی سن است. در مقابل سزاگرایی با مبنا قراردادن استحقاق، رشد عقلی را به عنوان مؤلفه سنی مسئولیت کیفری لحاظ می‌کند. قانون ایران در جرایم تعزیری اطفال و نوجوانان منطبق با نظریه فایده‌گرایی و در جرایم مستوجب حد و قصاص منطبق با نظریه سزاگرایی است. قاضی در تعیین واکنش‌های مواد ۸۸ و ۸۹ با در نظر گرفتن هدف ارباب و اصلاح و ناتوان‌سازی باید احکام مناسب صادر نماید. در حدود قصاص قاضی مکلف است علاوه بر بلوغ با جلب نظر کارشناس متخصص، رشد عقلی را احراز نماید. بنابراین در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی رشد عقلی مؤلفه سنی مسئولیت کیفری است و نباید صرفاً در صورت بروز شبهه و به صورت استثنایی این ماده در احراز مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان مورد توجه قرار گیرد.

استناد: برهانی، محسن؛ محمدی، اقبال (۱۴۰۲). تحلیل شرط سنی مسئولیت کیفری مبتنی بر اندیشه فایده‌گرایی و سزاگرایی، مطالعات

حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ۲ (۵۳)، ۱۶۶-۱۴۳. DOI: https://doi.org/10.22059/IJCLCS.2024.369803.1894



© نویسندگان

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: https://doi.org/10.22059/IJCLCS.2024.369803.1894

۱. مقدمه

مسئولیت کیفری^۱ از مؤلفه‌هایی تشکیل می‌شود و مفهومی است تا مجازات کردن را معنا بخشد و بین جرم و مجازات ارتباطی منطقی برقرار سازد. مرتکب جرم، بدون احراز مسئولیت کیفری قابل مجازات نیست. مفهوم هریک از مؤلفه‌های مسئولیت کیفری در صورتی منطقی است که بر آن مبنایی باشد که خود مفهوم مسئولیت کیفری بر آن بنا شده است. تفاوت‌های دیدگاه‌های فلسفی ناظر بر مجازات، مبانی مختلفی برای مسئولیت کیفری اقتضا دارند. به‌طور معمول دو نظریه فایده‌گرایی^۲ و سزاگرایی^۳ و نظریات ذیل آنها بر تحلیل‌های کلان فلسفی چرایی و چگونگی مجازات متمرکزند و مسئولیت کیفری موضوع مستقیم تحلیل آنها نیست. بنابراین ابتدا ضروری است تا ارتباط «مسئولیت کیفری» با «نظریه‌های فلسفه کیفر» روشن شود.

ارتباط مسئولیت کیفری و اندیشه‌های فلسفی کیفر از دو جنبه اهمیت دارد؛ جنبه اول تعداد مؤلفه‌های مسئولیت کیفری یعنی هر دستگاه فلسفی چه مواردی از میان عقل، بلوغ، اختیار، آگاهی به حکم یا موضوع، تقصیر و عمد را شرط مسئولیت کیفری می‌داند و جنبه دوم اینکه مفهوم و معنای هر مؤلفه در هر دستگاه فلسفی چیست. آیا مؤلفه سنی مسئولیت کیفری یا مؤلفه عقل در دستگاه سزاگرایی همان معنایی را دارد که در دستگاه فایده‌انگاری دارد؟ برای مثال در نظام حقوقی ایران دختری که در سیزده‌سالگی مرتکب جرم حدی یا قتل عمد شود، ممکن است مسئول قلمداد شده و به مجازات‌های سنگین حدی یا قصاص محکوم شود، اما اگر جرم وی تعزیری باشد، مسئولیت کیفری کامل نخواهد داشت. این تفاوت در فلسفه کیفر از نگاه سزاگرایی و فایده‌گرایی قابل تحلیل است. در خصوص جنبه دوم یعنی مفهوم هر مؤلفه نیز دستگاه‌های فلسفی نتایج مختلفی حاصل می‌کنند. در مثال قبل مؤلفه سنی مسئولیت کیفری همان‌طور که در این پژوهش مطرح خواهد شد، دو معنای مختلف نزد سزاگرایان و فایده‌گرایان دارد.

در مورد مؤلفه سنی به‌عنوان یکی از ارکان مسئولیت کیفری ممکن است به تحقیقات عصبی-زیستی بسنده شود و صرفاً بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از این علوم سنی را برای مسئولیت کیفری مشخص کنند. اغلب در این تحقیقات هجده‌سالگی را مبنای تکامل مغز می‌دانند (بفت، ۱۴۰۱: ۱۰۷)، هرچند در بسیاری از کشورها سن مسئولیت کیفری به‌صورت تدریجی و از سنین کمتر آغاز می‌شود. اما در همین تحقیقات ثابت شده است که علاوه بر مسائل فیزیولوژیک و عصب‌شناختی مغزی، ادراک و احساسات نیز اهمیت ویژه‌ای در رسیدن به سن مسئولیت کیفری دارد (بفت، ۱۴۰۱: ۱۲۷). بنابراین از دو زاویه می‌توان به مؤلفه سنی مسئولیت به‌منزله یکی از ارکان مسئولیت کیفری پرداخت؛ نگاه اول از دید علوم پزشکی و نگاه دوم از

1. Criminal responsibility
2. Utilitarianism
3. Retributivism

حیث مفهوم‌شناسی مؤلفه سنی مسئولیت کیفری. در نگاه اول به‌طور معمول نظام حقوقی کشورها صرفاً با تعیین یک عدد، مؤلفه سنی را مشخص می‌کنند، اما در قوانین آنها مانند تصمیم دیوان عالی کشور آمریکا در پرونده استنفرد^۱ که به قاعده تبدیل شد یا در ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی علاوه بر رشد جسمی، توان ادراک و رشد عقلی که مفهومی جدا از رشد فیزیولوژیک و بر اساس معیارهای روان‌شناختی و در طول رشد فیزیولوژیک مغز است، مورد توجه بوده که لازم است مبنا و مفهوم این مؤلفه تحلیل و واکاوی شود.

بنابراین با استفاده از سیستم‌های فلسفی حقوق کیفری که ابزار کارا و مناسبی برای تحلیل مفهومی قواعد عمومی حقوق کیفری هستند، به بررسی مفهومی مؤلفه سنی مسئولیت کیفری می‌پردازیم. در آثار و پژوهش‌های مرتبط با فلسفه کیفر ادبیات مربوط به مسئولیت کیفری غنی بوده و مسئولیت کیفری خارج از دایره نظریات فلسفی قرار گرفته است، البته برخی اندیشمندان فلسفه حقوق کیفری به مسئله مسئولیت کیفری پرداخته‌اند. از جمله مهم‌ترین آنها هارت^۲ در کتاب *مجازات و مسئولیت - مقالاتی در فلسفه حقوق*^۳ - و جروم هال^۴ در *نقد نظریات هارت* و در نهایت ریچارد. ای وستراستروم^۵ در مقاله خود با عنوان «هارت و آموزه‌های رکن روانی مسئولیت» در نقد نظریات هارت و جروم هال مطالبی را در خصوص مبنای فلسفی مسئولیت کیفری ارائه داده‌اند. هارت سزاگرایان را بر این باور می‌داند که مسئولیت کیفری در نگاه آنها صرفاً بر پایه «تقصیر اخلاقی» یا «قابلیت سرزنش اخلاقی» استوار است (وستراستروم، ۱۳۸۷: ۴۶۲). هارت برای تحلیل فلسفی مسئولیت کیفری دو عقیده را در برابر هم قرار می‌دهد؛ عقیده نخست وجود رکن روانی و تقصیر اخلاقی را بر مبنای شعور و درک در محدوده نظریه سزاگرا شرط مسئولیت کیفری می‌داند و عقیده دوم بر مبنای سودمندی، تقصیر اخلاقی را از حقوق کیفری قابل حذف می‌داند، چراکه فایده‌گرایان کانون تمرکز حقوق کیفری در این زمینه را پیشگیری می‌دانند و نه تنبیه (Hart, 2008: 29). جروم هال در توضیح این عبارات معتقد است، مسئولیت کیفری یا باید بر تقصیر اخلاقی بنا شود یا «مسئولیت محض» باشد، یعنی بر ارتکاب عمل متهم بنا شود و هدف آن ممکن است اجرایی کردن یک برنامه خاص اقتصادی، اصلاحی یا هر فایده دیگری باشد (وستراستروم، ۱۳۸۷: ۴۷۲). سزاگرایان بر پایه استحقاق شرط مجازات شدن یک فرد را در مقصر بودن او جست‌وجو می‌کنند و لازمه آن را علم و آگاهی در ارتکاب عمل مجرمانه می‌دانند (Hart, 2008: 32). در این نگاه لازمه مؤلفه سنی مسئولیت کیفری نوعی از وضعیت روانی است

1. Stanford v. Kentucky, 492 U.S. 361 (1989)

2. Hart, H.L.A.

3. Punishment and responsibility, Essays in the philosophy of law

4. Jerome Hall

5. Richard A. Wasserstrom

که مرتکب علاوه بر توانایی جسمی به سطحی از تکامل عقلی و ادراک می‌رسد که توان فهم ارزش اجتماعی عملش را دارد و اهلیت کیفر دیدن می‌یابد (محمدی، ۱۳۸۳: ۲۱۲). اگر از زاویه فایده‌گرایی به مسئولیت کیفری بنگریم، مؤلفه‌های مسئولیت کیفری مفاهیمی خالص نگرینسته می‌شود و شرایط پیرامون هر مؤلفه در مقدار و اندازه و شیوه اجرای مجازات مؤثر است (Borchert, 2006: 164) نه در احراز هر مؤلفه به تنهایی. در نگاه فایده‌گرایی به مسئولیت کیفری، کانون تمرکز و توجه مسئله علیت است، یعنی اگر رابطه علیت بین جرم و رفتار مجرم برقرار باشد، مسئولیت کیفری قابل احراز است. اما در نگاه سزاگرایی اصل، قابلیت انتساب بر مبنای سرزنش‌پذیری اخلاقی و تقصیر است (Borchert, 2006: 254). فایده‌گرایان در مباحث فلسفه کیفر تمام توجیحات و اندیشه‌های خود را بر کارکرد و اهداف مجازات متمرکز می‌کنند و با در نظر گرفتن بایدها و نبایدهایی در میزان و شیوه‌های اجرای مجازات، «خیر» و «نفع» را که مطلوب آنهاست، قابل تحصیل می‌دانند و تمرکز کمتری نسبت به هر مؤلفه مسئولیت به صورت مجزا دارند، اما در سزاگرایی صرفاً تحلیل مجازات بدون در نظر گرفتن عنصر روانی و مبنای مسئولیت مرتکب ناقص است (Hart, 2008: 177).

تضاد آرا در خصوص مسئولیت کیفری منطقیاً به مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده مسئولیت نیز قابل تسری است. بنابراین ضرورت دارد برای هر یک از مؤلفه‌های مسئولیت کیفری از نگاه فلسفی تحلیل‌های مقتضی ارائه داد. یکی از مبهم‌ترین و متغیرترین مؤلفه‌های حتمی مسئولیت کیفری شرط سنی است که در برابر آن، طفولیت یا صغر سن قرار دارد. طفولیت یا صغر سن به طور معمول در حقوق جزای کلاسیک به عنوان یک مانع مسئولیت یا عامل رفع مسئولیت معرفی می‌شود. دارای مبنای بودن قانون و حرکت قانون‌گذار بر اساس یک نظریه منسجم، سیاست جنایی صحیحی را برای او شکل می‌دهد و در اجرا با چالش‌های کمتری روبه‌رو خواهد شد. ابهامات ایجاد شده در رویه قضایی کشور در خصوص برخی مواد قانونی مانند ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی با فهم مبنای نظری شرط سنی مسئولیت کیفری با سهولت بیشتری قابل رفع است.

در این پژوهش با روش تحلیلی - توصیفی، اقتضات سزاگرایی و فایده‌گرایی از شرط سنی مسئولیت کیفری بیان شده و تفسیر منطقی مؤلفه سنی مسئولیت کیفری در راستای رفع ابهام از مقررات مربوط قانون مجازات اسلامی در ماده ۹۱ مطرح می‌شود از مهم‌ترین ابهامات ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی در خصوص جرایم ارتكابی مستوجب حد و قصاص اطفال و نوجوانان این است که آیا قانون‌گذار در غایت منظور خود درک و رشد عقلی را در کنار بلوغ - که بر مبنای ماده ۱۴۷ صرفاً بلوغ شرعی بر مبنای رشد سنی ملاک است - شرط تحقق مؤلفه سنی مسئولیت کیفری دانسته است یا صرفاً بلوغ تنها مؤلفه لازم برای مسئول شمردن و مجازات کردن افراد بالغ زیر ۱۸ سال در قبال ارتكاب جرایم حدی و قصاص است؟ در آرای قضایی هر دو برداشت

مورد استناد قرار گرفته است. مباحث مربوط به فلسفه کیفر به‌طور معمول دارای فرمول‌ها و منطق منظمی است که در فهم و تفسیر قوانین راه‌گشاست و در ضمن می‌تواند در بازنویسی و اصلاح قوانین کیفری مفید باشد. بازخوانی مبانی سزاگرایی و فایده‌گرایی در زمینه مسئولیت کیفری تحلیلی ارائه می‌دهد تا عبور از این ابهام قانونی با سهولت انجام گیرد. با استفاده از گزاره‌ها و آرای فلسفی موجود در نگاه سزاگرایی و فایده‌گرایی ابتدا اقتضای هریک از این دو دیدگاه بدون جانب‌داری در خصوص شرط سنی مسئولیت کیفری مطرح شده و سپس با ارائه دلایلی برداشت موجه از ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ارائه خواهد شد.

۲. اقتضائات فایده‌گرایی در خصوص شرط سنی مسئولیت

فایده‌گرایی^۱ در مجموعه اندیشه غایت‌گرایی^۲ مطرح و باید و نباید خود را با عنایت به نتیجه حاصل از رفتار (فایده حاصل از رفتار) صادر می‌کند (فرح‌بخش، ۱۳۹۲: ۳۲). در نگاه فایده‌گرایی به عدالت، بحثی ارزشی مطرح است که مفهوم «خوب» و «منفعت» به‌عنوان فایده مطرح می‌شود (جونز، ۱۳۸۷: ۸۰). فایده‌گرایان کلاسیک مانند جرمی بنتام^۳ و جان استیوارت میل^۴، بیشتر لذت‌گرا بوده‌اند، یعنی خوب را معادل سعادت و سعادت را معادل لذت دانسته و معتقدند اعمال به همان اندازه که زمینه‌ساز ایجاد لذت و خوشبختی باشند خوب بوده و به همان میزان که الم و بدبختی ایجاد کنند بد هستند (خوانساری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۱).

فایده‌گرایی را می‌توان یکی از آثار مکتب اصالت فایده دانست و این نظریه با دوری از پیش‌فرض‌ها و اصول انتزاعی - همان‌طور که سزار بکاریا^۵ معتقد است - بیشتر بر تجارب اجتماعی متمرکز شده و با ابتنا بر تجربه‌گرایی و خردگرایی، راهبردهای ملموس و محسوسی را برای جرم‌انگاری و کیفرگذاری طراحی و پیشنهاد می‌کند (جاویدی، ۱۳۹۷: ۲۵). فایده یا خوبی می‌تواند برای دیگران یا برای خود شخص مرتکب مطرح باشد. به‌طور معمول وقتی فایده‌گرایان صحبت از «خیر» یا «خوبی» یا «فایده» می‌کنند، ترجیح آنها بیشترین خیر یا نفع است (میل، ۱۳۹۶: ۷۲). در این نگاه اصولاً دیگران یا همان جامعه اطراف بیشتر از شخص اهمیت دارند (میل، ۱۳۹۶: ۷۳). بنابراین اگر بخواهیم فایده‌گرایانه کسی را دارای «مسئولیت کیفری» بدانیم، باید به‌گونه‌ای عمل کنیم که بیشترین نفع یا خیر برای دیگران حاصل شود.

1. Utilitarianism
2. Teleologism
3. Jeremy Bentham
4. John Stuart Mill
5. Cesare Beccaria

فایده‌گرایان برای مسئول دانستن فرد به میزان تأثیر مسئولیت در افزایش لذت و خوشی همگانی توجه دارند و تقبیح و تحسین تنها ابزار و توجیهی برای غایت‌های موردنظر فایده‌گرایان است (خوانساری و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۳۲). در نظریات سزاگرایی که رقیب فایده‌گرایی هستند، «استحقاق»^۱ اصل اولیه تحلیل و نقطه عزیمت است (Rawls, 1999: 21)، درحالی‌که مطابق رویکرد فایده‌گرایی استحقاق یا سزاواری معیار مناسبی برای مسئول قلمداد کردن فرد یا افراد نیست، بلکه بر اساس پیامدهای عمل و نتایج حاصل از آن سنجیده می‌شود.

دلیل بسیاری از اعمال، میل به کسب لذت و دوری از رنج است. هنگامی مسئولیت شخص در قبال رفتار ارتكابی وی درست و سزاوار ستایش است که به افزایش لذت و کاهش الم بینجامد (کابادی، ۱۳۸۳: ۲۵-۳۰). بر این اساس خروج از طفولیت و شکل‌گیری شرط سنی مسئولیت کیفری نه بر مبنای کمال درک، بلکه می‌تواند بر مبنای «رشد جسمی» و «درک حداقلی» از اعمال باشد. اموری مانند اختیار، آزادی و انگیزه انجام وظیفه به‌عنوان مؤلفه‌های شعور، از جمله مؤلفه‌هایی هستند که پیش‌شرط ضروری برای پذیرش استحقاق مدح و ذم عمل عامل است؛ اما بر اساس زاویه دید فایده‌گرایانه که خود را به استحقاق مدح و ذم متعهد نمی‌داند، این شرایط نیز سالیبه به انتفای موضوع است (برهانی، ۱۳۹۵: ۲۵۵-۲۵۸). استحقاق مجرم برای مجازات شدن یا به‌عبارت دیگر عادلانه بودن مجازات بر اساس ملاک استحقاق جایگاه مهمی در دیدگاه فایده‌گرایی ندارد. بنابراین درک زشتی و قبح عمل ارتكابی توسط مرتکب نمی‌تواند موضوع بااهمیتی باشد.

سازوکارهای فایده‌گرایان برای رسیدن به اهدافشان در امور کیفری به‌طور کلی در مفاهیمی بیان می‌شوند: اصلاح یا بازپروری^۲، ارباب^۳، ناتوان‌سازی^۴ (کارگری، ۱۳۹۹: ۳۴۲-۳۴۸) و ارضای حس انتقام‌جویی و تشفی خاطر بزه‌دیده (میل، ۱۳۹۶: ۱۴۰) که این امور بر اساس تجربه اجتماعی اصولاً به خیر یا نفع ختم می‌شود. مصادیق خیر یا نفع در نگاه فیلسوفان فایده‌گرای مباحث حقوق کیفری عدم ارتكاب جرم است، که به‌طور معمول با اصلاح و بازپروری، ارباب که به بازدارندگی منجر شود و ناتوان‌سازی شخص مجرم یا تأمین اجتماع از وی است. آثار مجازات در این رویکرد اغلب بر اساس وظایفی سه‌گانه برای مجازات تعریف می‌شود: «اصلاح» کسانی که مورد تنبیه قرار می‌گیرند (البته به‌جز کیفر مرگ)، «عبرت» از مجازات‌ها و «ناتوان ساختن» مجرمان از ایجاد اختلالات جدید در جامعه (پرادل، ۱۳۹۱: ۴۰). این دسته از اندیشمندان بر این اعتقادند که «امنیت» از مهم‌ترین مصادیق خیر در نظام و سیستم کیفری است و امنیت و نظم جامعه با

-
1. Merit
 2. Rehabilitation
 3. Deterrence
 4. Incapacitation

ارتکاب جرم خدشه‌دار می‌شود. جان استیوارت میل معتقد است «هیچ کسی نمی‌تواند از خیر امنیت [به‌عنوان یک فایده مهم] بگذرد» (میل، ۱۳۹۶: ۱۴۴).

بر اساس این اهداف جایگاه مؤلفه سنی نزد فایده‌گرایان شفاف‌تر خواهد شد، این شفافیت هم از نظر میزان رشد و هم از نظر کمال رشد حاصل می‌شود؛ یعنی سن مسئولیت کیفری و شرایط رشد عقلی در مسئولیت کیفری. بنابراین ضروری است تا شرح کلیت مفاهیم مذکور ارائه شود.

اصلاح یا بازپروری از سازوکارهای کنترل درونی محسوب می‌شود (میل، ۱۳۹۶: ۹۱). هدف غایی طرح‌کنندگان «اصلاح یا بازپروری» شامل پشیمانی از ارتکاب جرم، فهمیدن نیاز جامعه و آگاهی از توقعات مردم نسبت به فرد خاطی، آموزش دادن و فراهم کردن یک حرفه یا شغل و معالجات روانی و پزشکی است. بازپروری و اصلاح مجرم به معنای تغییر در عادت‌های ذهنی و رفتاری مجرم است، به‌نحوی که او مجدداً مرتکب جرم نشود (امینی‌زاده، ۱۳۹۳: ۶۳). در این اقدامات «تربیت» دادن و فراهم کردن شرایط رشد نرمال فرد مدنظر است. اطفال و نوجوانان بیشتر از هر بزه‌کار دیگری برای تربیت یافتن مساعد هستند. به‌عبارت دیگر اصلاح و درمان یعنی اجرای یک برنامه «روانی-اخلاقی» با رعایت شرایط لازم برای تأمین امنیت جامعه به‌منظور بهبود امکانات سازش‌پذیری اجتماعی بزه‌کار (نجفی ابرنآبادی و هاشم بیگی، ۱۳۹۷: ۳۳۴). از این‌رو هر کس که قابلیت آموزش دیدن دارد و می‌تواند تحت معالجه واقع شود، با جمع سایر شرایط برای ورود به پروسه کیفری «مسئول» است. مجازات شدن یک اثر اصلاحی دارد نه اینکه بر مبنای عدالت استحقاقی باشد. بر همین مبنای با در نظر گرفتن کیفرهای خاص اصلاحی، سن مسئولیت کیفری در سنین کمتر قابل احراز است. منظور از مسئولیت کیفری در این نگاه لزوماً قابلیت تحمل کیفر سنگین نیست، در سطح قضایی، نوع مجازات، میزان و شکل اجرایی آن، استفاده از نهادهای تعلیق، آزادی مشروط، عفو و ... از جمله مواردی هستند که استفاده مناسب و متناسب از آنها می‌تواند پیام کیفری نهفته در قانون را به‌درستی به مخاطبان آن منتقل کند (محمودی جانکی و آقایی، ۱۳۸۷: ۳۵۶-۳۵۹) و از این راه اصلاح و درمان و بازسازی مجرمان محقق شود. ایجاد مسئولیت کیفری در سنین کمتر، اهداف درمانی و اصلاحی نگاه فایده‌گرایی را با توجه به اقدامات آموزشی و تربیتی گوناگونی که امروزه حقوق جزا به‌عنوان واکنش علیه جرم در نظر گرفته است، بیشتر فراهم می‌کند.

با توجه به پابندی فایده‌گرایی به اصالت تجربه و دوری از مفاهیم انتزاعی (جاویدی، ۱۳۹۷: ۲۵ و ۳۱) از یک سو و آموزش‌پذیری در کودکان و نوجوانان در سنین ابتدایی رشد مغزی-سنین تمییز- و با توجه به اهمیت اصلاح و تربیت در ادبیات فایده‌گرایی از مهم‌ترین نتایج این دیدگاه می‌تواند «مسئولیت کیفری تدریجی» باشد. بدین‌معنا که پس از ورود به سن آموزش‌پذیری،

مسئولیت کیفری جهت اعمال اقدامات تربیتی ایجاد شود. در آخرین تحقیقات جرم‌شناسی صورت‌گرفته پیشنهاد شده است تا از عبارت «ظرفیت جزایی»^۱ به‌جای مسئولیت کیفری برای اطفال استفاده شود، برای نمونه قانون‌گذار سوئیس از عبارت «قابلیت کیفرپذیری»^۲ استفاده کرده است (ottenhof, 2004: 29) و از اقدامات تربیتی برای اطفال به‌عنوان واکنش در برابر اعمال مجرمانه آنها بهره‌جسته است. در قانون مجازات اسلامی، اقدامات تربیتی و آموزشی در ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی از نرسالگی برای اطفال پیش‌بینی شده است. بنابراین در این نگاه مجازات شدن و کیفر دادن مطلوب نیست، مجازات کارکرد و رسالتی دارد که فارغ از کیفر دادن است. همچنین مسئولیت بر اساس استحقاق اولویت ندارد و اقدامات آموزشی و اصلاحی بر اساس تجارب عملی حاصل از آموزش می‌تواند مطلوب نظریه اصلاح و بازپروری را به‌دست آورد. مسئولیت تدریجی از کاراترین ابزار برای نیل این هدف خواهد بود.

ارعاب از سازوکارهای کنترل بیرونی محسوب می‌شود. فایده‌گرایان با طرح لزوم وجود الزام در جهت دادن رفتارهای آدمی معتقدند تئوری فایده‌گرایی باید هم دارای الزام‌های درونی و هم بیرونی باشد و علاوه بر امید، وجود «بیم» نیز ضروری است (میل، ۱۳۹۶: ۹۵). بیم یا ارعاب در دو قالب ارعاب عام^۳ و ارعاب خاص^۴ قابل طرح است، یعنی از نظر اینکه ارعاب بر چه کسی کارکرد دارد، ارعاب فرد مجرم و ارعاب سایر افراد مدنظر است، در برخی موارد ارعاب تعلیمی نیز شاخه دیگری دانسته شده است (یزدبان جعفری، ۱۳۹۱: ۷۲). هدف ارعاب عام منصرف ساختن مجرمان بالقوه از ارتکاب جرم است، این کارکرد در مرحله تقنین محسوس است تا قانون‌گذار با پیش‌بینی مجازات‌هایی، افراد را از پیامد ارتکاب جرم بترساند (کارگری، ۱۳۹۹: ۳۴۵). کیفر پیش‌بینی‌شده باید عبرتی برای سایرین باشد تا از بیم مجازاتی که شاهد اجرای آن نسبت به مجرم هستند، از ارتکاب جرم منصرف شوند (پرادل، ۱۳۹۱: ۲۲). بزه‌کار در این نگاه ابزاری در اختیار حقوق کیفری است. سایر افراد باید متوجه باشند در صورت ارتکاب جرم همچون فرد مجرم با مجازات روبه‌رو خواهند شد. بنام این مسئله را از اهداف اصلی مجازات می‌داند و ارعاب خاص را در شمار پیامدهای ثانویه مجازات به‌شمار می‌آورد (جوان جعفری و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۴). بنابراین ویژگی‌های شخصی و اهلیت مجرم اهمیت چندانی نداشته و رشد جسمی اقتضای احراز مسئولیت کیفری را دارد. در قانون توجه نظریه ارعاب، استحقاق، مفهومی حاشیه‌ای و نه به‌عنوان موضوع اصلی توجه است. بنابراین دست قانون‌گذار باز بوده و هر سنی را البته با لحاظ منطقی و مباحث حقوق بشری می‌تواند به‌عنوان شرط سنی مسئولیت کیفری مشخص کند (ottenhof, 2004: 30) و در

1. Capacité pénale/ penal capacity
 2. Punissabilité/ punishability
 3. General deterrence
 4. Special deterrence

نتیجه مسئول قلمداد کردن طفل یا نوجوان بزه‌کار باید حاوی پیامی ارعایی برای سایرین به‌خصوص در سنین مشابه باشد.

ارعاب خاص برعکس اغلب ناظر بر فرد است و هدف از آن تحمیل مجازات به‌گونه‌ای است که بتواند فرد محکوم به مجازات را از ارتکاب دوباره آن رفتار بازدارد. در کنار بنتام، توماس هابز^۱ نیز بر مبنای مشابهی فلسفه عمومی خود در سیستم کیفری را بر این پایه بنا می‌کند: حقوق تنها بر اصل سودمندی متکی بوده و عاری از مفهوم و رنگ اخلاقی است و همچنین دولت باید آرامش اجتماعی را تأمین کند و معتقد است از مهم‌ترین راه‌های حصول امنیت، تنبیه است، «انسان‌ها تنها به‌وسیله تهدید به تنبیه بر سر عقل می‌آیند!» (فرح‌بخش، ۱۳۹۲: ۳۰۳). با این برداشت اطفال و نوجوانان با میزان رشد سنی متعادل یعنی آن مقدار از رشد که توان فهم تهدید و ارعاب را داشته باشند، می‌توانند در قبال رفتار خود مسئول شناخته شده و وارد پروسه کیفری شوند فارغ از اینکه چه مقدار استحقاق سرزنش کیفری دارند. مجازات فایده‌گرا به‌طور خاص در جایی که هدف بازدارندگی دارد با زبان زور و تهدید سخن می‌گوید و مجرم را یک عامل اخلاقی، مسئول و عضوی از جامعه اخلاقی به‌شمار نمی‌آورد (صابری، ۱۳۹۳: ۱۶۰). قابلیت مرعوب شدن طفل و نوجوانان نسبت به سایر مرتکبان منطقاً بیشتر است و هدف مطلوب ارعاب خاص در خصوص این گروه، بیشتر قابل حصول خواهد بود. در این نگاه سرزنش مجرم هدف بوده و اعمال کیفر حق مجرم است (صابری، ۱۳۹۳: ۱۶۱). در واقع برای مجرم حقی ایجاد می‌شود، هرچند این حق را خودش برگزیده باشد. این حق زمانی ایجاد می‌شود که قابلیت ترسیدن برای مرتکب متصور باشد. همین که طفل مرعوب دستگاه قضایی شود، قابلیت سرزنش کیفری را دارد گرچه درک و شعور کامل نداشته باشد. اقداماتی مانند تذکر و اخطار توسط قاضی بر همین نگاه ارعاب خاص برای اطفال و نوجوانان استوار است. نگارش قانون نیز برای مرتکب طفل یا نوجوان اصولاً تهدیدآمیز بوده و او می‌داند در صورت ارتکاب جرم نمی‌تواند از مکافات جزایی در امان باشد و در هر حال مسئول است.

توان‌گیری یا ناتوان‌سازی ناظر بر تأثیر مجازات در آینده است، به این صورت که با اعمال و ایجاد برخی محدودیت‌ها، بزه‌کار را علی‌رغم داشتن انگیزه و تمایل به ارتکاب جرم، ناتوان از ارتکاب جرم می‌سازد (مهرا، ۱۳۸۶: ۷۱). ناتوان‌سازی به‌طور معمول با تأکید بر اینکه ارعاب یا اصلاح همیشه کارگر نیست و به هر حال باید نفع یا سودی برای جامعه ایجاد شود، راه‌حل دیگری ارائه می‌کند که ناتوان ساختن فرد مجرم است (یزدیان جعفری، ۱۳۹۱: ۹۲). با توجه به مبانی این دیدگاه در سنین پایین که امکان اصلاح یا حتی ارعاب طفل بزه‌کار وجود دارد، نمی‌توان حکم به اقتضائات ناتوان‌سازی در خصوص وی داد. مطابق اندیشه ناتوان‌سازی در مورد سن مسئولیت کیفری

1. Thomas Hobbes

می‌توان چنین برداشت کرد که هر گاه امیدهای مطرح‌شده در اصلاح و ارباب از دست رفته باشد، آن‌گاه مرتکب مسئول کامل اعمال خویش خواهد بود. مجازات‌های پیشنهادی در این نگاه از اعدام شروع می‌شود و تا محرومیت از شغل و منع از رفت‌وآمد به محل‌های معین گستره وسیعی را در بردارد.

در نگاه فایده‌گرایان مجازات شر تلقی می‌شود (فرح‌بخش، ۱۳۹۲: ۳۰۶ و ۳۰۷). در صورت نیاز به ناتوان‌ساختن طفل، باید از سبک‌ترین ابزارهای ناتوان‌سازی برای وی بهره جست، مانند منع از رفت‌وآمد به محل معین یا نگهداری کوتاه‌مدت در کانون اصلاح و تربیت و امثال آن. همچنین برخورد با مرتکب زیر سن قانونی باید بر مبنای اصلاح و تأمین اجتماع از وی باشد. «ناتوان‌سازی» را می‌توان نزد فایده‌گرایان در اولویت آخر قرار داد، چراکه برای دفع شر جرم، اگر راهی غیر از مجازات که خود شر است، وجود داشته باشد، نباید آن را برگزید (Bentham, 1961: 172). ارزش‌های حقوق بشری و یافته‌های کیفرشناسی که استفاده از مجازات‌های خشن و شدید توسط حقوق کیفری را بر اساس اصول و قواعد خود غیرمجاز می‌داند (رحیمی‌نژاد، حبیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۲۰) محدودکننده و مانعی در به‌کارگیری مجازات‌های خشن برای اندیشه ناتوان‌سازی است. بدیهی است این مجازات‌ها در سنین پایین قابلیت اجرایی ندارد و مطابق این نگاه باید مسئولیت کیفری در سنین بالاتر ایجاد شود.

نتیجه «اصلاح» و «ارباب» این بود که می‌توان ورود شخص را از سنین پایین به مسئولیت کیفری مجاز دانست و ناتوان‌سازی اقتضای سن بالاتری دارد. مسئولیت تدریجی راه‌حل مناسبی برای جمع این نظریات است، به‌گونه‌ای که پاسخ به این نوع مسئولیت اقدامات اصلاحی و تأمینی باشد نه مجازات سنگین و با حصول سنین بالاتر - سنی که امید به اصلاح و تربیت کم-رنگ می‌شود - مجازات ناتوان‌ساز به اجرا درآید. مسئولیت کیفری در این نگاه، از مسئولیت تدریجی‌شده آغاز می‌شود و پس از طی دوره‌ای به مسئولیت کامل ختم خواهد شد. از این رو نتایج حاصله متضاد نبوده و اقتضای جمع آنها وجود مرز ورودی به مسئولیت کیفری به صورت تعدیل‌شده و سپس تکمیل آن است.

بر اساس آنچه گذشت دو مطلب دارای اهمیت زیادی نزد فایده‌گرایان است؛ اول اینکه «استحقاق» برای تعیین مسئولیت کیفری ملاک اساسی نیست، استحقاق زمانی حاصل می‌شود که درک کیفیت عمل ارتكابی برای مجرم ممکن باشد و از جنبه اخلاقی پذیرای مکافات باشد، حال آنکه فایده‌گرایان رشد جسمی را مدنظر دارند، از این رو شرط سنی مسئولیت شرطی کمی است نه کیفی؛ دوم اینکه با شر دانستن مجازات، بازدارندگی از طریق اصلاح و ارباب مطلوب فایده‌گرایان بوده و در این زمینه مسئولیت تدریجی راه‌کار مناسبی برای نیل به این اهداف است.

۱. اقتضائات سزاگرایی^۱ در خصوص شرط سنی مسئولیت کیفری

با وجود تمام پیش‌فرض‌های خشونت‌گرایانه که نسبت به نظریه سزاگرایی در اذهان به‌وجود آمده است، نمی‌توان بدون احاطه کامل به جزئیات این اندیشه آن را «خشونت‌طلب» دانست و سزاگرایان بیش از آنکه شیفته خشونت باشند، در پی پاس‌داری از مفهوم استحقاق هستند (جوان جعفری و ساداتی: ۱۳۹۱: ۶۲). سزاگرایی به انتقام‌جویی نیز تمایل ندارد، از مقتضیات انتقام‌جویی آن است که برای تشفی خاطر بزه‌دیده کیفر بر مجرم تحمیل شود، اما سزاگرایی با کنترل و محدود کردن این کینه‌توزی، در پی حاکمیت مفهوم استحقاق بر تعیین کیفر است (gray, 1999: 707). در این قسمت با طرح مبانی و اندیشه‌های مطرح در نگاه سزاگرایی، اقتضای این نظریه کیفری برای شرط سنی مسئولیت کیفری با استفاده از داده‌های آن تحلیل می‌شود.

نخستین بارقه‌های اندیشه سزاگرا را در تاریخ یونان باستان و اندیشمندان آن می‌توان یافت، اما پیش از آن نیز ردپاهایی از سزاگرایی در اندیشه‌های کیفری حکمرانانی چون حمورابی وجود داشته است (پاشا صالح، ۱۳۴۸: ۱۱۴). از نگاه سزاگرایان همواره «حق» مقدم بر «خیر» بوده و اگر نقض قانونی صورت گیرد، کیفر دادن آن یک حق است (تیت، ۱۳۸۴: ۲۵۳). عدالت کیفری نظم مختل‌شده اجتماع را دوباره احیا خواهد کرد و با مجازاتی شبیه به بزه ارتكابی تعادل را در جامعه برقرار خواهد ساخت (پراول، ۱۳۹۱: ۱۸). نمی‌توان مجازات را فقط ابزار پیش‌برد مصلحتی دیگر برای خود بزه‌کار یا جامعه قرار داد، بلکه مجازات باید به این دلیل اجرا شود که مجرمی مرتکب جرمی شده است.

اندیشه امانوئل کانت^۲ پایه و اساس نظریات سزاگرایی در فلسفه حقوق کیفری است. از جمله نتایج ضروری نظریه کلاسیک سزاگرایی یا سزادهی کانتی که در نظریات نوین سزادهی نیز قابل مشاهده است، اصل «استحقاق» مجرم برای مجازات و دیگری اصل «تناسب» جرم و مجازات است (فخر، ۱۳۹۹: ۲۳۱). نقطه عزیمت و اصلی در نگاه سزاگرایی استحقاق بوده، کانت معتقد است که هر کس می‌بایست به‌منظور برخورداری از عقل و اختیار، مسئولیت اعمال خود را بپذیرد و در جرایم ارتكابی به تناسب آسیبی که وارد کرده، به سزای اعمال خود برسد و برای رسیدن به این نتیجه از اصطلاح «امر مطلق» اخلاقی^۳ استفاده می‌کند (Kant, 1993: 1-5). بنابراین با تبعیت از این اعتقاد در نظریه‌های سزاگرایی تنها مبنایی که «مسئولیت کیفری» به قابلیت تحمیل مجازات، بر اساس آن توجیه منجر می‌شود نیز، استحقاق مجرم است (Rawls, 1999: 27). استحقاق در ادبیات سزاگرایی بر پایه «تقصیر اخلاقی» استوار است. در واقع زیربنای

1. Retributivism
2. Immanuel Kant
3. Categorical imperative

مسئولیت، استحقاق است و در مسئولیت کیفری مفهوم استحقاق نزد سزاگرایان مبتنی بر تقصیر اخلاقی و قابلیت سرزنش اخلاقی دانسته شده است (Hart, 2008: 159). تمامی مؤلفه‌های موجود در مسئولیت کیفری نیز بر همین مبنا باید تفسیر شود. به عبارت دیگر، مؤلفه‌های مسئولیت کیفری از جمله مؤلفه سنی، باید به حدی وجود داشته باشد تا منطبق بر اقتضای استحقاق باشد. مطابق این اندیشه نمی‌توان آن‌گونه که اقتضای اصلاح و ارباب و ناتوان‌سازی ذیل اندیشه فایده‌گرایی بود، مؤلفه سنی مسئولیت کیفری را معنی کرد.

در نگاه فایده‌گرایی با رسیدن به حدی از رشد جسمی، قابلیت مؤاخذه کیفری ایجاد می‌شود، اما با توجه به اقتضای سزاگرایی برای مسئولیت کیفری، رشد جسمی در کمیته خود (آغاز سن تمیز) مفهوم استحقاق در سزاگرایی را محقق نمی‌کند. بنابراین مؤلفه سنی مسئولیت کیفری بر مبنای استحقاق مفهومی متفاوت از یک عدد سنی است. از نظر کانت، مجرم با ارتکاب رفتار «ارادی» معارض اخلاق، پذیرفته است که به میزان «تعرض» خویش متحمل کیفر شود (جون-جفری و ساداتی، ۱۳۹۰: ۱۲۷) در این اندیشه تکیه بر تعرض است و نه صرفاً زیان وارده یا خطرناکی و لازمه تعرض، «درک و دانستن» است. بنابراین استحقاق با درک و فهم مرتکب از جرم ارتكابی گره خورده است. مجازات اطفال و نوجوانان در مفهوم سزاگرایی با کارکرد معینی که دارد جایگاهی اربابی یا اصلاحی نخواهد داشت، چراکه زیربنای آن استحقاق است نه پیش‌گیری. در این نگاه نمی‌توان حکم به خروج از صغر سن داد مگر اینکه «ادراک و فهم» شخص بر رفتار و مفهوم رفتارش شکل گیرد. احاطه داشتن و درک جرم انجام‌شده، لازمه «مستحق» و در نتیجه مسئول بودن در نگاه سزاگرایی است. برخی حقوقدانان اهلیت جزایی را بر دو پایه دانستن و خواستن مبتنی می‌دانند. خواستن مربوط به قصد و دانستن مربوط به شکل‌گیری عقل و رشد سنی است و دانستن زمانی محقق می‌شود که شخص صغیر نباشد (الهام، برهانی، ۱۳۹۵: ۲۷۶) یعنی خروج از صغر (دوران فقدان مسئولیت) با ایجاد درک و فهم علاوه بر رشد جسمی حاصل می‌شود. بنابراین شروع دوره مسئولیت کیفری از نظر شرط سنی، به وجود آمدن درک و شعور است. همچنین نزد سزاگرایان استحقاق بر پایه تقصیر اخلاقی و نیز «شرارت» آمیز بودن رفتار استوار است (بروکس، ۱۳۹۵: ۴۵). چه برای اینکه تقصیر اخلاقی محقق باشد و چه برای اینکه شرارت نزد مرتکب جرم، موجود باشد، وی از نظر ویژگی‌های شخصی باید به حدی باشد که «درک» داشته و عمل ارتكابی خود را از روی شعور و آگاهی انجام داده باشد، از این‌رو انسان دارای عقل و فهم می‌تواند مسئول باشد. در این صورت مجازات کردن مرتکب به دلیل نادرستی عملش و استحقاقش برای کیفر، در راستای اجرای عدالت مدنظر سزاگرایی است و بر خلاف اندیشه‌های پیامدگرا که هدف آنها کاستن از میزان جرایم است، سزاگرایان در پی آن هستند که «مجرمان آنچه را شایسته هستند دریافت نمایند» (جون جفری و ساداتی، ۱۳۹۰: ۱۲۲). اطفال و

نوجوانان در این نگاه نباید به‌عنوان ابزار پیشگیری از جرم در قلمرو حقوق کیفری وارد شوند. بنابراین تحلیل‌های پیش‌گیرانه رنگ باخته و اساس مسئولیت کیفری، استحقاق است و اقتضای استحقاق برای مؤلفه سنی مسئولیت کیفری احراز «درک و شعور» است.

با توجه به آنچه گذشت و با توجه به محوریت درک و شعور در مؤلفه سنی مسئولیت کیفری نزد تحلیل سزاگرایی، به‌طور منطقی شرط سنی مسئولیت کیفری به‌جای یک عدد سنی، احراز «رشد عقلی» است. لازمه ایجاد درک و شعور، رسیدن به رشد عقل است. به‌عبارت دیگر به صرف رشد جسمی لزوماً درک و شعور در شخص ایجاد نمی‌شود. بنابراین ضروری است تا مفهوم رشد عقلی و چگونگی احراز آن بررسی شود. رشد عقلی حالتی است که شخص به عقل عملی رسیده است. این مفهوم در برابر جنون نیست و مقابل سفه قرار می‌گیرد (بیاتی، ۱۳۹۴: ۲۵) و منظور از آن رفتاری است که اصولاً انسان متعارف در برخورد با قانون و مسائل اجتماعی از خود نشان می‌دهد. رشد عقلی و درک، آن مقدار تکمیل عقل است که در آن رشد آناتومیک، فیزیولوژیک و شناختی مغز تا سر حد کمال خود رسیده باشد؛ به‌طوری که طفل بالغ توانایی فهم و شناسایی لازم در تمییز فعل مجرمانه از غیر آن را به‌دست آورده باشد (پتفت، ۱۴۰۱: ۱۲۸). در تحقیقات پزشکی صورت‌گرفته الگوی پارامترهای عصب‌شناختی تنها ملاک رشد عقلی نیست، رشد ماده خاکستری قشر مغز و فعالیت طبیعی فیزیولوژیک آن در ارتباط قشری از یک سو و شاخص‌های عملکردی سرعت پردازش، کنترل مهارتی و هماهنگی وظایف در رشد شناختی مغز که مؤلفه‌هایی روان‌شناختی‌اند، از سوی دیگر، می‌توانند ملاک‌های درخوری برای ارزیابی درک، شعور و کمال عقل باشند (پتفت، ۱۴۰۱: ۱۲۹). احراز این عوامل روان‌شناختی رشد عقلی، از طریق سنجش عملکرد شخص با عرف و ارزش‌های متعارف جامعه است. رشد عقلی مفهومی کیفی است نه کمی که با عدد سنی قابل اندازه‌گیری باشد. عملکرد منطبق با ارزش‌های متعارف در میان افراد مختلف متفاوت است، به‌عبارت دقیق‌تر معیار احراز آن در هر شخص معیاری ذهنی یا شخصی است نه نوعی. تمام معیارهای معقولیت و متعارف بودن الزاماً باید جنس‌محور باشد؛ یعنی برای زنان معیار سنجش معقولیت، معیار زن معقول و برای مردان نیز معیار متناسب، معیار مرد معقول است (منتی‌نژاد، ۱۳۹۸: ۴۹). در نهایت به‌عنوان محک و ترازو، معیارهای رشد عقلی «متعارف» و «ارزش‌های اجتماعی»، معیارهایی نوعی و مطلق هستند و هر شخص با توجه به ویژگی‌های فردی خود درک و شعوری دور یا نزدیک به این معیارهای متعارف اجتماعی دارد. انطباق بیشتر ویژگی‌های شخصی با معیارهای نوعی اجتماع، از رشد عقلی حکایت دارد.

شخصی بودن «معیار رشد عقلی» نزد هر کس در نگاه سزاگرایی با نسبی یا تدریجی بودن «مسئولیت کیفری» که در نگاه فایده‌گرایی تحلیل شد، متفاوت است. در بخش نخست بیان شد که مؤلفه سنی مسئولیت کیفری در نگاه فایده‌گرایی در حالتی بینابین ایجاد می‌شود. قبل از

سنین دوره تمییز هیچ‌گونه مسئولیتی وجود ندارد و فرد فاقد مسئولیت کیفری است، پس از آن به تدریج طفل قابل مؤاخذه است و از یک عدد سنی مشخص - برای همگان و فارغ از تفاوت‌ها - به بعد که قانون‌گذار آن را جعل می‌کند، مسئولیت کامل و مطلق ایجاد می‌شود. از شروع مسئولیت نسبی تا تکمیل آن، مسئولیت در حالتی مدرج ایجاد شده و به مرور تکمیل می‌شود، به عبارتی «مسئولیت کیفری تدریجی یا نسبی و عدد سنی مطلق است». اما در نگاه سزاگرایی مفاهیم مسئولیت مطلق هستند، به این معنا که یا به‌طور کامل وجود دارند یا چنین مؤلفه‌ای احراز نشده و در نتیجه مسئولیت کیفری ایجاد نمی‌شود. به عبارت دیگر مؤلفه مسئولیت کیفری در نگاه فایده‌گرایانه پس از رسیدن به یک عدد سنی ایجاد می‌شود و با بیشتر شدن سن به سمت تکمیل آن پیش می‌رود و در این بین مؤاخذة کیفری فرد - به شرط وجود سایر مؤلفه‌های مسئولیت کیفری مانند اختیار و عقل و ... - اهداف فایده‌گرایی از مجازات را برآورده می‌سازد، اما در نگاه سزاگرایی تا استحقاق بر مبنای درک و رشد عقلی - با توجه به شرایط هر شخص ایجاد نشود - هیچ‌گونه مسئولیت کیفری وجود ندارد و مسئولیت کیفری تعدیل شده یا تدریجی قابل تصور نیست. بنابراین مسئولیت کیفری امری مطلق است؛ یا وجود دارد یا ندارد؛ و مبنای آن که استحقاق است به نسبت تفاوت‌های افراد، متفاوت است.

ملاک احراز رشد عقلی در اندیشه سزاگرایی، شخصی است. در ابتدا ممکن است این نکته با اشکال مواجه شود که معیار ذهنی یا شخصی مفهومی شناور بوده و در عمل ممکن است با بی‌نظمی و ناهمگونی تصمیمات قضایی مواجه شود. این اشکال را نمی‌توان پذیرفت، هرچند مسئله «خطا بودن رفتار» چون به‌گونه‌ای انتزاعی و مجرد از عامل آن مورد توجه قرار می‌گیرد تابع معیار عینی است، اما مسئله «انتساب» و «استحقاق» که در آن به قابلیت پاسخگویی شخص مرتکب برای انجام عمل خطا پرداخته می‌شود، در حوزه معیار ذهنی قرار می‌گیرد (Fletcher, 2000: 560) و علی‌رغم تصور مذکور در باب شناور بودن معیار شخصی، هم در میان فقها و هم در میان اندیشمندان علم حقوق، ملاک رسیدن به مؤلفه سنی مسئولیت کیفری، یک معیار شخصی است و این معیار نزد آن‌ها عادلانه دانسته شده است (متنی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۳۵۷)، هرچند احراز آن در عمل دشوارتر از عمل بر مبنای فرض قانونی باشد. بنابراین قانون نویسی برای مؤلفه سنی مسئولیت کیفری می‌تواند بر اساس ملاک شخصی باشد. سزاگرایان به بهانه‌های اجرایی، عدالت را قربانی نمی‌کنند. درک انسان‌ها تابع «طبیعت» و «تربیت» است (گنجی، ۱۳۸۶: ۲۹) و از آنجا که این دو مقوله متغیرند نمی‌توان با ملاک دانستن رشد جسمی با تمام انسان‌ها برخورد واحدی را در پیش گرفت. سزاگرایی کلاسیک به بهای نظم ظاهری یا دشواری قضاوت از اصول خود عقب‌نشینی نمی‌کند. در این نگاه هرگز نمی‌توان کیفر را صرفاً وسیله پیش‌برد مصلحتی دیگر برای خود شخص یا جامعه مدنی قرار داد، بلکه کیفر همواره باید به این دلیل اعمال شود

که مجرم مرتکب جرمی شده و مستحق مجازات است. هیچ‌گاه نباید یک انسان را ابزار تحقق هدف دیگری مانند نظم قرار داد (Kant, 1999: 138)، در نتیجه دشواری‌های عملی احراز رشد عقلی با توجه به مبانی سزاگرایی کلاسیک در این اندیشه مسموع نیست.

در نهایت با استفاده از تحقیقات علمی می‌توان سنی را که اصولاً رشد عقلی حاصل می‌شود، به‌عنوان اماره‌ای در قوانین وضع کرد. تحقیقات تخصصی در هریک از عامل‌های رشد عقلی نشان از آن دارد که مغز کودک تا تقریباً ۱۸ سالگی همچنان در فرایند رشد زیستی، کارکردی و شناختی است و از این‌رو کمال عقلی کودک نسبت به جرایم ارتكابی خویش اصولاً محل تردید است (بفت، ۱۴۰۱: ۱۲۹). همچنین قوانین و حقوق تطبیقی برای جعل این اماره راه‌گشاست. به‌طور معمول در کشورهای مختلف، فنلاند، تونس، یونان، رومانی و پرتغال سنین بین ۱۶ تا ۲۱ سال به‌عنوان اماره تعیین می‌شود، مسئولیت کیفری پس از ۲۱ سال ایجاد می‌شود (Ottenhof, 2004: 31). در حقوق انگلستان و آلمان کودکان بیش از ۱۰ تا ۱۸ سال که مسئولیت کیفری کامل ندارند، مشمول اقدامات تربیتی و اصلاحی می‌شوند (میرمحمد صادقی: ۱۴۰۰: ۱۷۳) و مسئولیت کیفری کامل که استحقاق کیفر دادن را ایجاد می‌کند، پس از هجده‌سالگی است.

۵. تحلیل شرط سنی مسئولیت کیفری در قانون مجازات اسلامی در پرتو اندیشه سزاگرایی و فایده‌گرایی

مقتضی است تا پس از تحلیل شرط سنی مسئولیت کیفری در دستگاه سزاگرایی و فایده‌گرایی مقررات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ از باب مقارنه و تطبیق با تحلیل‌های ارائه‌شده فلسفی مزبور ارزیابی شود. مؤلفه سنی مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان مطابق قانون مجازات اسلامی در جرایم تعزیری از یک سو و جرایم حدی و مستوجب قصاص از سوی دیگر متفاوت است. در جرایم تعزیری مسئولیت کیفری از نه‌سالگی شروع می‌شود. در این بین تفاوتی میان دختران و پسران نیست. مسئولیت کیفری ایجادشده در این سن با پاسخ‌های تأمینی و تربیتی پاسخ داده می‌شود و تا هجده‌سالگی این روند ادامه دارد. در واقع نسبت به جرایم تعزیری از ۹ تا ۱۸ سالگی دوره مسئولیت تدریجی یا تعدیل شده است و برای آن اقدامات تأمینی و تربیتی در مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسلامی مشخص شده است. در جرایم مستوجب حد و قصاص ماده ۹۱ قانون حکم متفاوتی دارد که اولاً بلوغ را شرط مسئولیت کیفری می‌داند (دختران ۹ و پسران ۱۵ سال تمام قمری) و در کنار آن به درک ماهیت جرم ارتكابی یا رشد عقلی نیز اشاره شده است. تفسیر ماده اخیر با ابهاماتی همراه است که در ادامه، این ابهام طرح و با استفاده از مبانی فلسفه فایده‌گرایی و سزاگرایی که در بخش قبل تحلیل شد، پاسخ مقتضی ارائه می‌شود. لزوماً یک ماده قانونی بازتاب یک نظریه فلسفی نیست، اما با توجه به اصول عقلی نظریه‌های فلسفی و

سیستم منظم آنها می‌توان در جهت فهم مواد و مقررات قانونی و معنابخشی به آنها از تئوری‌های فلسفی بهره جست.

همان‌طور که در تحلیل فایده‌گرایی مطرح شد، تأکید اصلی در این نگاه بر دو مطلب است: پذیرش «عدد سنی» به‌عنوان مؤلفه مسئولیت و «مسئولیت کیفری تدریجی». مطابق مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسلامی در جرایم تعزیری ارتكابی توسط اطفال و نوجوانان و با توجه به فقدان مفهوم «استحقاق» در ادبیات قانون‌گذار و در نتیجه فقدان ردپای اندیشه‌های سزاگرایی و همچنین نوع واکنش‌های پیش‌بینی‌شده، رشد جسمی و عدد سنی مساوی با مؤلفه سنی مسئولیت کیفری دانسته شده است. پیش‌بینی مسئولیت کیفری تدریجی یا تعدیل‌شده بین ۹ تا ۱۸ سالگی در خصوص جرایم تعزیری گواه بر این مطلب است که اهداف سزاگرایی در کیفر دادن اطفال و نوجوانان مرتکب جرایم تعزیری مدنظر نبوده است، چراکه نزد سزاگرایان مسئولیت کیفری امری مطلق و بر اساس استحقاق است. مسئولیت کیفری از نه‌سالگی در دختران و پسران آغاز شده و تا هجده‌سالگی به تدریج و به‌طور نسبی در حال شکل‌گیری است و پس از آن، به‌عنوان مفهومی مطلق ایجاد می‌شود. اقدامات پیش‌بینی‌شده در مواد ۸۸ و ۸۹ قانون مانند نصیحت توسط قاضی، تسلیم به والدین یا ثالث، اخطار و تذکر کتبی، کانون اصلاح و تربیت که معمولاً در سنین پایین‌تر اصلاحی است و به تدریج ارعایی شده و در نهایت به ناتوان‌سازی ختم می‌شود حاکی از ادبیات فایده‌گرایی و اهداف اصلاحی و ارعایی و ناتوان‌سازی دارد که مورد اخیر در محکومیت به پنج سال کانون اصلاح و تربیت قابل مشاهده است. قرینه‌ای از مفاهیم استحقاق و تناسب را در این مقررات نمی‌توان یافت. با توجه به اندیشه فایده‌گرایی در تعیین کیفر، امنیت جامعه بیش از خطای موجود در خود جرم اهمیت دارد و با سزاگرایی محض^۱ کانت این نتیجه محقق نمی‌شود. همچنین وجود جایگزین‌های متعدد مجازات، در ماده ۸۹ و تبصره‌های آن، تجدیدنظر در تصمیمات اتخاذی بر اساس «مصلحت» در تبصره ۳ ماده ۸۸ و ماده ۹۰ همگی در راستای اصلاح و بازپروری کودک و نوجوان هستند. قانون مجازات اسلامی در تمام این مقررات و سایر مواد مرتبط با تعزیرات بدون هیچ‌گونه شرط یا قیدی، صرفاً مبتنی بر عدد سن، اقدامات ارعایی و اصلاحی و آموزشی را برای مجرمان کودک و نوجوان در نظر گرفته است.

مقررات مسئولیت و مجازات‌های اطفال و نوجوانان در قبال جرایم تعزیری منطبق بر نظریه فایده‌گرایی از کیفر است و در تفسیر قضایی می‌توان از ادبیات این نگاه بهره جست. نکته مهم جایگاه عدد سنی در این مقررات است. همان‌طور که برداشت فایده‌گرایی اقتضای چنین حکمی دارد عدد سنی به‌عنوان مؤلفه مسئولیت کیفری در خصوص جرایم تعزیری یک «اماره غیرقابل

رد» است، برای رفع خطرناکی مرتکب و ارباب و اصلاح وی بر اساس عدد سنی اقدامات تأمینی و تربیتی در نظر گرفته شده و هیچ‌گاه قانون‌گذار ایران نخواسته است تا بر اساس ملاک رشد عقلی، در اصل وجود یا عدم مسئولیت کیفری تردید کند. تنها ملاک موجود، سن مرتکب است و فرد در صورت رسیدن به نه‌سالگی حتی اگر رشد عقلی لازم را نداشته و به اصطلاح سفیه باشد، وارد حیطة مسئولیت کیفری تدریجی می‌شود و این مسئولیت در قبال جرایم تعزیری تا هجده‌سالگی ادامه دارد، حتی اگر ماهیت جرم ارتكابی را درک نکرده باشد.

در خصوص جرایم مستوجب حد و قصاص، تحلیل متفاوت است. مطابق ماده ۹۱ «در جرایم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال، ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازات‌های پیش‌بینی‌شده در این فصل محکوم می‌شوند. تبصره- دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقل می‌تواند نظر پزشکی قانونی را استعلام یا از هر طریق دیگر که مقتضی بداند، استفاده کند». قانون‌گذار به‌دنبال کیفر دادن کسی است که قبح عمل را درک کرده و در این زمینه شبهه‌ای وجود نداشته باشد و از این راه به‌دنبال تأمین عدالت قضایی است (الهام و برهانی، ۱۳۹۵: ۲۸۹). ممکن است در قبال ارتکاب یک جرم برابر، توسط دو مرتکب با سن برابر، به صرف احراز رشد عقلی برای یک نفر و عدم احراز آن برای شخص دیگر، دو حکم متفاوت در نظر گرفته شود و این برخورد دوگانه دلیلی ندارد، مگر آنکه بپذیریم، «رشد عقلی» یک مرتکب را مسئول کامل و مستحق کیفر و دیگری را مبری از آن می‌گرداند. بنابراین وجود این ماده حکایت از ملاک دانستن استحقاق در غایت نظر مقتن دارد. سنگینی مجازات‌های حدی و قصاص سبب شده است تا با تفکیک این جرایم از جرایم تعزیری، دو حکم متفاوت بر اساس دو مبنای متفاوت توسط قانون‌گذار اتخاذ شود.

بر اساس آنچه در بخش اول مقاله گذشت حکم ماده ۹۱ را باید منطبق بر نگاه سزاگرایی از کیفر دانست نه فایده‌گرایی. اهداف مطلوب نزد سزاگرایان معاصر نیز مانند «نکوهش»، «اعلام انزجار»، «ارتباط» و «تعلیم» تنها در فرض وجود رشد عقلی قابل دست‌یابی است. نکوهش، احساس انزجار جامعه از یک رفتار مغایر اخلاق و نظم را منتقل می‌کند؛ نکوهش، به رسمیت شناختن و هم‌دردی با بزه‌دیده است؛ با نکوهش، خطا بودن کار مجرم به او گوش‌زد می‌شود؛ نکوهش، زشتی ارتکاب جرم را به سایرین نیز گوش‌زد می‌کند؛ نکوهش، برای بزه‌کار قابل درک است، چون شبیه واکنش‌های اجتماعی است؛ نکوهش، تناسب را بیش از هر ملاک دیگری محقق می‌کند؛ نکوهش، بر خلاف بازدارندگی به شخصیت اخلاقی فرد احترام می‌گذارد نه اینکه وی را ابزار ببیند (Von Hirsch A., 1994: 118-21) و تمام این ویژگی‌ها زمانی تحقق‌پذیر است که فهم و رشد عقلی در فرد خاطی وجود داشته باشد. انعکاس این مفاهیم در ماده ۹۱ کاملاً

روشن است. مجازات‌ها باید راهی برای انتقال پیام اخلاقی اجتماع به مجرمان باشد، به نحوی که خود مجرم نیز این پیام را متوجه و سبب شود که خطای خود را بپذیرد (Duff, 2001: 106). اگر مرتکب طفل یا نوجوانی باشد که درک کاملی از عمل مجرمانه خود نداشته باشد، هیچ‌یک از این کارکردها محقق نمی‌شود و بدون توجه به درک مجرم از رفتارش، کیفر دادن طفل یا نوجوان برخوردی است مغایر با کرامت و حرمت انسانی. نزد سزاگرایی وقتی بزه‌کار را ایزاری زیان‌کار بدانیم که قرار است ترسیده یا اصلاح شود، احترامی به او نگذاشته‌ایم (Hegel, 2008: 91).

ابهام اصلی ماده ۹۱، لزوم شرط بودن یا نبودن «رشد عقلی» به‌عنوان مؤلفه سنی مسئولیت کیفری است. این ابهام چه در اجرا و چه در تفسیر سبب بروز دو برداشت در میان پژوهشگران و برخی آرای صادره از دستگاه قضایی شده است.^۱

برداشت اول که بیشتر مورد توجه تفسیر لفظی- منطوقی حقوق جزای فنی و برخی از آرای قضایی^۲ قرار گرفته این است که در خصوص ارتکاب جرایم مستوجب حد و قصاص پس از رسیدن به بلوغ، اصل بر مسئولیت کیفری بوده و رشد عقلی به‌عنوان شرط، جایگاهی در مؤلفه سنی مسئولیت کیفری ندارد (آقایی‌نیا، ۱۳۹۹: ۲۴۰) و صرفاً در صورت وجود شبهه مقام رسیدگی «می‌تواند» نظر کارشناس متخصص را جلب کند که اگر نوجوان فاقد رشد عقلی تشخیص داده شد، مسئول نیست و به یکی از واکنش‌های مواد ۸۸ و ۸۹ محکوم خواهد شد. مطابق این نظر بالغ شدن، اماره‌ای بر رشد عقلی و در نتیجه دارا شدن مسئولیت کیفری کامل است. همچنین نتیجه این برداشت این است که مقام رسیدگی وظیفه‌ای در زمینه جلب نظر کارشناس نخواهد داشت. بر خلاف مقررات مسئولیت کیفری در خصوص تعزیرات که سن «اماره‌ای غیرقابل رد» است، در جرایم مستوجب حد یا قصاص، رسیدن به بلوغ مساوی با درک و رشد عقلی فرض شده، اما در این مورد این فرض قانونی یا اماره «قابل رد» است و با جلب نظر کارشناس در صورت اثبات خلاف آن مسئولیت کیفری از بین می‌رود.

برداشت دوم رشد عقلی را در کنار بلوغ مؤلفه مسئولیت کیفری دانسته است، به عبارت دیگر پس از رسیدن به بلوغ لازم است تا رشد عقلی مرتکب نیز احراز شود. در این برداشت درک و شعور به عنوان مؤلفه مسئولیت کیفری در افراد بالغ زیر ۱۸ سال شرط لازم است. برخی نویسندگان و محققان از زاویه دیگری همین برداشت را مطرح کرده و با استفاده از مقررات قانون مجازات اسلامی اصل را بر عدم وجود رشد عقلی دانسته و احراز آن توسط مقام قضایی را ضروری می‌دانند (الهام و برهانی، ۱۳۹۵: ۲۹۰؛ میرمحمد صادقی، ۱۴۰۰: ۱۸۵؛ هاشمی، ۱۳۹۴: ۵۷؛ احسانی و همکاران،

۱. دادنامه شماره ۹۰۰۹۹۸۶۹۲۲۵۰۱۵۰۹ مورخ ۱۳۹۵/۰۵/۲۴ صادره از شعبه ۳۵ دیوان عالی کشور و دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۸۴۲۵۰۰۰۵۱ و دادنامه شماره ۹۳/۸/۷-۰۵۰۷، شعبه ۲۴ دیوان عالی کشور و دادنامه ۱۰۰۱۷۱-۰۱/۰۱/۱۳۹۲.

۲. نظریه مشورتی شماره ۷/۱۵۸۹ مورخ ۱۳۹۲/۰۸/۱۹ اداره حقوقی قوه قضاییه.

۱۳۹۹: ۱۷؛ نوجوان و یوسفزاده، ۱۴۰۲: ۳۲۹) و در نتیجه این برداشت صرف بلوغ، موجب احراز مسئولیت کیفری نبوده و احراز رشد عقلی نیز ضروری است. این برداشت نیز در برخی از آرای قضایی منعکس شده است.^۱ مطابق این نظر نه اینکه بلوغ اماره‌ای قابل رد باشد و پس از عدم احراز رشد عقلی، مسئولیت کیفری زایل شود، بلکه بلوغ تنها یک شرط از دو شرط لازم است و در کنار آن وجود رشد عقلی به‌عنوان مؤلفه مسئولیت کیفری ضروری است.

چه در برداشت اول و چه برداشت دوم فارغ از اینکه ماده ۹۱ را اصل بدانیم یا استثنایی بر کفایت بلوغ به‌عنوان تنها مؤلفه مسئولیت کیفری، رشد عقلی دارای جایگاه ویژه‌ای در مسئولیت کیفری است. بنابراین ماده ۹۱ با تحلیل سزاگرایی از مؤلفه سنی مسئولیت کیفری منطبق است و از آنجا که اتخاذ هریک از این دو برداشت در عمل و در رویه اجرایی به اتخاذ تصمیمات متفاوت منجر می‌شود، شایسته است تا با مبانی تحلیل سزاگرایی از مؤلفه سنی مسئولیت کیفری برداشت موجه بر این اساس برگزیده شود که پس از جمع‌بندی در نتیجه‌گیری نظر مختار ارائه می‌شود.

۶. نتیجه

«مصلحت‌اندیشی» در اندیشه فایده‌گرایی برای اجتماع و «استحقاق» در اندیشه سزاگرایی برای مجرم دو زاویه دید هستند که فارغ از ارزش‌گذاری خوب یا بد اقتضائات متفاوتی را در مورد مسئولیت کیفری و مؤلفه‌های آن دارند. بر اساس نتایج مذکور شرط سنی مسئولیت کیفری در نگاه فایده‌گرایی در مرز کمینه می‌تواند در سنین بسیار کم آغاز شود، تا مرتکب طفل یا نوجوان قابلیت ورود به پروسه قضایی را داشته باشد. از این‌رو می‌توان تا پیش از سن کامل مسئولیت که به‌طور معمول اعداد گوناگونی در کشورهای مختلف است، از عبارت «مسئولیت کیفری تدریجی» استفاده کرد. پاسخ مناسب این نوع از مسئولیت مجازات کامل نخواهد بود و بر اساس آنچه در نتایج ذکر شد، اقدامات تأمینی و تربیتی پاسخی مناسب است. همین مقدار که طفل آزادی اراده داشته باشد و مستقل از والدین رفتارهای خود را انجام دهد، مجوز ورود وی به حیطه مسئولیت است.

در مقابل، اندیشه سزاگرایی با تمرکز بر شخص مجرم و جرمی که مرتکب شده است سعی دارد تا مجازات، پاسخی شایسته و در نتیجه استحقاق مجرم باشد و عدالت را از این طریق میسر می‌داند. مجازات شدن مجرم مستحق کیفر، یک باید اخلاقی است. استحقاق شرط اعمال مجازات در نظریه سزاگرایی است و این استحقاق در مورد شرط سنی زمانی حاصل است که فرد

۱. دادنامه ۱۳۹۲/۱۰/۰۱-۰۰۱۷۱ تأکید دارد در مورد بالغان زیر ۱۸ سال که مرتکب قتل عمدی شده‌اند، اصل بر عدم رشد عقلی است.

دارای رشد عقلی کاملی باشد و الا مجازات کارکرد مطلوب در نظریه سزاگرایی را ندارد. مطلق‌انگاری در سزاگرایی ایجاب می‌کند تا مسئولیت کیفری تعدیل شده یا نسبی برای اطفال و نوجوانان مردود باشد و در نهایت مطابق نظریه سزاگرایی سن مسئولیت کیفری باید در سنین بالاتری ایجاد شود. مقررات قانون مجازات اسلامی در مورد مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان برای جرایم مستوجب حد و قصاص مطابق ماده ۹۱، منطبق با دیدگاه سزاگرایی است و رشد عقلی علاوه بر بلوغ شرط مسئولیت کیفری در حد و قصاص است.

حکم این مقرر که گامی در راستای توجه به رشد عقلی بوده (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۰: ۱۸۵) و در پی اجرای انصاف و استحقاق داشتن طفل یا نوجوان برای کیفر است، مقارن با اندیشه سزاگرایی و اقتضای این نظریه از مسئولیت کیفری است. در اندیشه سزاگرایی استحقاق مبنای مسئولیت کیفری و «لازمه استحقاق در شرط سنی مسئولیت کیفری وجود درک و رشد عقلی است» که تفصیل آن گذشت. رشد عقلی بر این مبنا شرط مسئولیت کیفری است و احراز آن برای احراز مسئولیت کیفری ضروری است. در واقع تا رشد عقلی نباشد قبح فاعلی محقق نمی‌شود و مسئولیت کیفری شکل نمی‌گیرد. از سوی دیگر نوع نگارش ماده و نص تبصره آن نباید با استفاده از اصول فنی و ضعیف تفسیری و صرفاً متن‌خوانی ماده به دلیل وجود عبارت «می‌تواند» اختیاری برای مقام رسیدگی تلقی شده و از این نوع نگارش، مطلوبی مصادره شود مبنی بر اینکه به صرف بلوغ، مؤلفه سنی مسئولیت کیفری محرز است و مقام قضایی صرفاً «مختار است» در صورت وجود شبهه نظر کارشناس را اخذ کند. در برخی آرای صادره دیوان عالی کشور اگر در موارد محکومیت به قصاص، مرجع صادرکننده حکم بدون جلب نظر پزشک متخصص در خصوص احراز رشد عقلی، حکم به قصاص داده باشد، پرونده به علت نقص تحقیقات با نقض حکم مواجه و مسترد می‌شود (رضوی فرد و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۱۴ و ۳۱۵). تفسیر ماده ۹۱ بر پایه سزاگرایی، رشد عقلی را شرط سنی مسئولیت کیفری می‌داند، نه اینکه آن را فرعی بداند بر احراز بلوغ جنسی، به عبارت دیگر درک و رشد عقلی در کنار بلوغ هر دو شرط لازم مسئولیت کیفری هستند. قاضی یا مقام رسیدگی در دادسرا، همان‌طور که در خصوص سایر شرایط و مؤلفه‌های لازم مسئولیت کیفری برخورد می‌کند، در مورد جرایم مستوجب حد یا قصاص ارتكابی از ناحیه اطفال و نوجوانان مکلف است درک و رشد عقلی را نیز احراز کند. در خصوص دشواری احراز این ویژگی در فرد مجرم، تبصره ماده ۹۱ استمداد از کارشناس مربوطه را پیشنهاد داده است، اما از طرق دیگری نیز این مهم قابل دستیابی است و عبارت «می‌تواند» صرفاً اختیاری است در شکل احراز نه در اصل احراز؛ در واقع مقام رسیدگی مختار است بین انتخاب دو روش که یا جلب نظر کارشناس است یا هر طریق مقتضی دیگر؛ نه اینکه مختار باشد رشد عقلی را احراز کند یا بدون توجه به آن و به صرف بلوغ حکم به مسئولیت کیفری کند. بنابراین برداشت دوم از ماده ۹۱

صحیح‌تر و منطبق با مبانی نظری مسئولیت بر اساس استحقاق است که در اندیشه نظریه سزاگرایی از کیفر مدنظر است. شایسته است در راستای اجرای سیاست جنایی قضایی منظم و منطبق بر قانون و اجتناب از اختلاف رویه و تفاسیر شخصی با تکیه بر مفاهیم بنیادین اندیشه‌های کیفری در تفسیر و اجرای مواد مربوطه قانون مجازات اسلامی، اصول و اسلوب مطرح‌شده مدنظر قرار گیرد و احکام مقتضی صادر شود.

منابع

الف) فارسی

۱. آقایی‌نیا، حسین (۱۳۹۹). حقوق کیفری اختصاصی ۳. چ هجدهم، تهران: میزان.
۲. احسانی، امیرحسین؛ صالحی، محمد خلیل و قادی پاشا، مسعود (۱۳۹۹). تفاسیر دوگانه در شرط رشد و کمال عقل در حقوق کیفری. *مجله حقوق اسلامی*، (۶۷)، ۷-۳۰.
۳. الهام، غلامحسین و برهانی محسن (۱۳۹۵). *درآمدی بر حقوق جزای عمومی، جرم و مجرم*، ج ۱، چ دوم، تهران: میزان.
۴. امینی‌زاده، محمد (۱۳۹۳). *نظریه کوهن و تغییر پارادایمی در حقوق کیفری. فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، (۱)، ۵۹-۸۱.
۵. برهانی، محسن (۱۳۹۵). *اخلاق و حقوق کیفری*. قم: فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۶. بروکس، تام (۱۳۹۵). *مجازات*. ترجمه محمدعلی کاظم نظری، چ اول، تهران: میزان.
۷. پاشا صالح، علی (۱۳۴۸). *مباحثی از تاریخ حقوق کیفری*. چ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۸. پرادل، ژان (۱۳۹۱). *تاریخ اندیشه‌های کیفری*. ترجمه علی حسین نجفی ابرنآبادی، چ ششم، تهران: سمت.
۹. پتفت، آراین (۱۴۰۱). *رشد و کمال عقل کودک در پرتو حقوق کیفری* عصب‌شناختی با نگاهی بر رویه قضایی آمریکا. *نشریه پژوهش حقوق کیفری*، (۳۹)، ۱۰۲-۱۳۵.
۱۰. تیبیت، مارک (۱۳۸۴). *فلسفه حقوق*. ترجمه حسن رضایی خاوری، چ اول، مشهد: دانشگاه علوم رضوی.
۱۱. جاویدی، مجتبی (۱۳۹۷). *از اصالت عقل تا اصالت تجربه*، تحلیل معرفت‌شناختی اندیشه‌های کیفری سزار بکاریا. *فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز*، (۱۱)، ۲۱-۴۴.
۱۲. جوان جعفری، عبدالرضا و ساداتی، محمدجواد (۱۳۹۰). *از سزاگرایی کلاسیک تا سزاگرایی نوین - ارزیابی اندیشه سزاگرایی. نشریه آموزه‌های حقوق کیفری*، پاییز و زمستان، (۲)، ۱۱۹-۱۴۸.
۱۳. جوان جعفری، عبدالرضا و ساداتی، محمدجواد (۱۳۹۱). *سزاگرایی در فلسفه کیفر. نشریه پژوهشنامه حقوق کیفری*، بهار و تابستان، (۵)، ۵۹-۸۲.
۱۴. جونز، پیتر (۱۳۸۷). *حقوق*. ترجمه سیدرضا حسینی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۵. خوانساری، محمدامین؛ جوادی، محسن و صادقی، هادی (۱۳۹۸). *ارزیابی رویکرد فایده‌گرایی کلاسیک به مسئولیت اخلاقی در قبال دیگری. نشریه نقد و نظر*، (۴)، ۱۲۷-۱۵۲.
۱۶. رحیمی‌نژاد، اسماعیل و حبیب‌زاده محمدجعفر (۱۳۸۷). «مجازات‌های نامتناسب، مجازات‌های مغایر با کرامت انسانی. *فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، (۲)، ۳۸.
۱۷. رضوی فرد، بروز؛ غلامی، حسین؛ سایبانی، علیرضا و آبروشن، هوشنگ (۱۴۰۰). *واکاوی چالش‌های حقوقی شبهات ناظر به رشد نوجوانان در قانون مجازات اسلامی. فصلنامه تحقیقات حقوقی*، (۹۳)، ۳۰۳-۳۲۴.
۱۸. صابری، علی (۱۳۹۳). *قرائت‌های معاصر از سزاگرایی. نشریه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، زمستان، (۱)، ۱۴۵-۱۶۴.
۱۹. فخر، فائزه (۱۳۹۹). *نولیبرالیسم و تولد دوباره سزاگرایی کیفری. نشریه سیاست*، بهار، (۵۳)، ۲۲۹-۲۴۸.

۲۰. فرح‌بخش، مجتبی (۱۳۹۲). *جرم‌انگاری فایده‌گرایانه*. (جستاری در فلسفه حقوق کیفری). چ اول، تهران: میزان.
۲۱. کاپالدی، نیکولاس (۱۳۸۳). *بنام، میل و فایده‌گرایی*. ترجمه: جلال‌الدین مجتبی، ج ۸، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی و انتشارات سروش.
۲۲. کارگری، نوروز (۱۳۹۹). فایده‌گرایی مجازات: مبانی و سازوکارها، *نشریه حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل*، (۴۸)، ۳۳۵ - ۳۵۴.
۲۳. گنجی، حمزه (۱۳۸۶). روانشناسی تفاوت‌های فردی، چ دوم، تهران: بعثت.
۲۴. محسنی، مرتضی (۱۳۷۶). مسئولیت کیفری، چ اول، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۲۵. محمدی، قاسم (۱۳۸۳). رشد عقلانی و حقوق جنایی. *نشریه دین و ارتباطات*، (۲۴)، ۲۰۱ - ۲۳۲.
۲۶. محمودی جانکی، فیروز و آقایی، سارا (۱۳۸۷). بررسی نظریه بازدارندگی مجازات. *فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۳۸ (۲).
۲۷. منتی‌نژاد، صادق (۱۳۹۸). *معیارهای ذهنی و عینی در حقوق کیفری*. چ اول، تهران: میزان.
۲۸. مهرا، نسرین (۱۳۸۶). کیفر و چگونگی تعیین آن در فرایند کیفری انگلستان (با تأکید بر کارکردهای کیفر). *مجله تحقیقات حقوقی*، (۴۵).
۲۹. میرمحمد صادقی، حسین (۱۴۰۰). *حقوق جزای عمومی (۲) مسئولیت کیفری*. چ اول، تهران: میزان.
۳۰. میل، جان استیوارت (۱۳۹۶). *فایده‌گرایی*. ترجمه مرتضی مردیپا، چ ششم، تهران: نی.
۳۱. نجفی ابرنآبادی، علی حسین و هاشم بیگی حمید (۱۳۹۷). *دانشنامه جرم‌شناسی*. چ پنجم، تهران: گنج دانش.
۳۲. نوجوان، داوود و یوسف‌زاده، احمد (۱۴۰۲). ریشه‌یابی چالش‌های فقهی و حقوق بشری ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در باب مجازات‌های سالب حیات نوجوانان. *مجله دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری*، (۱)۱۴، ۳۱۱ - ۳۳۵.
۳۳. هاشمی، سیدحسین (۱۳۹۴). بررسی فقهی - حقوقی رویکرد قانون مجازات اسلامی جدید به سن رشد و مسئولیت کیفری کودکان در پرتو اسناد بین‌المللی. *مجله حقوق تطبیقی*، (۱۰۳)، ۵۱ - ۷۴.
۳۴. وستراستروم، ای، ریچارد (۱۳۸۷). *ا.ج.ال.ای هارت و آموزه‌های رکن روانی و مسئولیت کیفری*. ترجمه قاسم محمدی، *نشریه تحقیقات حقوقی*، (۴۸)، ۴۶۱ - ۴۷۵.
۳۵. یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۹۱). چرایی و چگونگی مجازات، چ اول، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

(ب) انگلیسی

36. Bentham, J. (1876). *An Introduction to the Principles of Morals and Legislation*. Clarendon Press, Digitized: November 25, 2022, Google book, available at: https://www.google.com/books/edition/An_Introduction_to_the_Principles_of_Mor/Hc19ju-jLgC?hl=en&gbpv=0
37. Borchert, D. M. (2006). *encyclopedia of philosophy*. second edition, THOMSON GLAE publication, new york.
38. Kant, I. (1993), [1785]. *Grounding for the Metaphysics of Moral*. Translated by Ellington, James W. Hackett. 3rd ed, New York, Yale university .
39. Kant, I. (1999), [1785]. *Grounding for the Metaphysics of Moral*. Translated by Ellington, James W. Hackett. 7rd ed, New York, Yale university.
40. Duff, R. A. (2001). *Punishment, Communication and Community*. Oxford, Oxford university press.
41. Fletcher, G.P. (2000). *Rethinking Criminal Law*. Oxford university press, New York.
42. Gray, C. B. (1999). *The philosophy of law (an Encyclopedia)*. garland publishing, New York & London.

43. Hart, H L A Gardner John (2008). *Punishment and Responsibility Essays in the Philosophy of Law*. Oxford university press .
44. Hegel, G. F. (2008). *Outline Of The Philosophy Of Right*. Translated by T.Knox, Oxford, Oxford University Press
45. Ottengof, R. (2004). *la responsabilité des mineurs dans l'ordre interne et nationale*. revue internationale de droit pénal, (75), 25 -49.
46. Rawls, J. (1999). *Collected papers*. Edited by Samuel Freeman, Harvard University Press.
47. Von Hirsch, A. (1994). *Censure and proportionally, in read of punishment, Antony Duff and David Garland(Eds)*. Oxford, Oxford university Press.